



بررسی مسائل کشورها

نگاهی

به اوضاع اقتصادی پرتغال

مقدمه:

(کارگران صنعتی نیمه ماهر) بود. این کشورها از یکسو به تولید و صادرات کالاهای کاربر (Labor Intensive) پرداخته و علاوه بر آن نیروی کار خود را در قالب کارگران مهاجر به کشورهای خارجی روانه می‌کردند. پرتغال با حدود ۷۰۰,۰۰۰ کارگر مهاجر (در اواخر دهه ۱۹۶۰) بیش از همه به عامل دوم متکی بود لیکن از اوائل دهه ۱۹۷۰ اقدام به صدور منسوجات و قطعات الکترونیکی - که از همان دسته کالاها محسوب می‌گردیدند - نمود.

کشور پرتغال در جمع کشورهای اروپائی جزو معدود کشورهایی است که توسعه یافته تلقی نمی‌گردند. «این کشور در سال ۱۹۷۳ نمونه کامل یک کشور با «درآمد متوسط» بود که غالباً در زمره کشورهای تازه صنعتی شده (New Industrialized countries) محسوب می‌گردند. این گروه از کشورها در دهه ۱۹۶۰ و اوائل دهه ۱۹۷۰ رشد بسیار سریعی را تجربه کردند که ناشی از افزایش تجارت خارجی و بهره‌برداری از منابع نسبتاً فراوان

(1): J. B. Macedof & Serfaty, *Portugal Since the Revolution* (Colorado; Westview Press, 1981), pp. 54- 55.

این نکته ضرورتاً درخور توضیح دیگری است: در طول این سالها که رابطه پرتغال با اقتصاد جهانی و بخصوص با اقتصاد کشورهای صنعتی روبه افزایش گذاشته، «پرتغال به کشوری وابسته تبدیل شده است. اما وابستگی در مفهوم مذموم خود در اینجا مطرح نیست و بدین معنا نیست که آنچه پیش آمده از لحاظ اقتصادی برای پرتغال زیان آور بوده است. مسأله این است که اقتصاد پرتغال در این مدت بشدت تحت

نرخ رشد اقتصادی پرتغال در دهه ۱۹۶۰ بسیار قابل توجه بود و تا سال ۱۹۷۳ همچنان تداوم داشت. در جدول (۱) بررسی تطبیقی رشد اقتصادی پرتغال در قیاس با کشورهای کره جنوبی، یونان و اسپانیا نمایانده شده است. بنظر می رسد سه کشور اروپائی پرتغال، اسپانیا و یونان تا حدودی همانند یکدیگر رشد یافته و گروه متجانسی را تشکیل داده اند. چند نکته در این میان قابل ذکر است: نخست، هر چند

پرتغال در جمع کشورهای اروپائی جزو معدود کشورهائی است که توسعه یافته تلقی نگردیده و از آن به عنوان یک کشور تازه صنعتی شده نام می برند.

تأثیر سیاستهای اقتصاد کشورهای صنعتی قرار گرفته است؛ سیاستی که پرتغال هیچ نقشی در تعیین آن بازی نمی کند. مشکل دیگر در اقتصاد پرتغال مسأله توزیع است. هر چند با احتمال زیاد می توان گفت که تقریباً همه مردم از رشد اقتصادی بهره مند شده اند اما توزیع منافع خواه میان شهرها و روستاها و خواه میان کل جمعیت و نخبگان صحنه های سیاسی و اقتصادی همگون نبوده است. هر چند ممکن است دلایل بسیار متقن در این مورد در دست نباشد، لیکن در سال ۱۹۷۳، پرتغال از اقتصادی دوگانه برخوردار بوده که بخش

نرخ رشد اقتصاد پرتغال و بخصوص نرخ رشد «GDP» سرانه این کشور همانند رشد اعجاب انگیز کشور کره جنوبی نیست لیکن بسیار بیشتر از بسیاری از کشورهای در حال توسعه است؛ ضمن اینکه نرخ بسیار بالائی نیز بحساب می آید. دوم، در پرتغال (و همچنین سه کشور دیگر) رشد اقتصادی منجر به افزایش تجارت خارجی شده است. سهم صادرات و واردات در محصول ناخالص داخلی (GDP) در سه مقطع زمانی فزاینده و قابل توجه است. ضمن آنکه اقتصاد پرتغال بیش از دو کشور دیگر اروپائی با اقتصاد جهانی رابطه برقرار نموده و با آن پیوند یافته است.

(1); *Ibid.*, p. 55.

جدول (۱): رشد اقتصادی در پرتغال، کره جنوبی، یونان و اسپانیا قبل از سال ۱۹۷۴ و در دهه ۱۹۸۰

(درصد)

اسپانیا	یونان	کره جنوبی	پرتغال	
			(۱)	نرخ رشد GDP :
۶/۷۷ (۵/۷۲)	۸/۲۳ (۷/۸)	۱۰/۳۸ (۸/۳۵)	۷/۳۶ (۷/۱)	۱۹۶۸-۷۳
۲/۳۶ (۱/۳)	۳/۴۲ (۲/۳۳)	۸/۸۸ (۷/۲)	۳/۳۱ (۲/۰۷)	۱۹۷۳-۸۰
۱/۶۸ (۱/۳۸)	۱/۳۱ (۰/۷۵)	۸/۲۶ (۶/۹۶)	۱/۵ (۰/۷۵)	۱۹۸۰-۸۶
۷/۵	۹/۵	۱۲/۸۲	۲۲/۴	نسبت صادرات به GDP ^(۳) ۱۹۶۸
۱۴/۴۴	۱۴/۲۳	۲۹/۱۳	۲۶/۷۲	نسبت صادرات به GDP ۱۹۷۳
۲۰/۲۷	۲۲/۲۴	۳۰/۷	۳۲/۹۹	نسبت صادرات به GDP ^(۲) ۱۹۸۶
۱۳/۲	۱۸/۳۷	۲۵/۵۸	۲۶/۷۷	نسبت واردات به GDP ۱۹۶۸
۱۵/۴۹	۲۵/۲۲	۳۲/۱۲	۳۳/۷۳	نسبت واردات به GDP ۱۹۷۳
۱۸/۰۴	۳۰/۷۲	۳۵/۰۲	۳۵/۵۲	نسبت واردات به GDP ۱۹۸۶

۱ - نرخ رشد GDP به قیمت ثابت سال ۱۹۸۵

۲ - ارقام داخل پرانتز نرخ رشد GDP به قیمت ثابت سال ۱۹۸۵ و مستخرج از حسابهای مالی IFS است

۳ - در محاسبه نسبت ها، ارقام صادرات و واردات، GDP به قیمت جاری وارد شده اند.

مأخذ: IMF, *International Financial Statistics* (Washington: IMF, 1989).

جهانی همچنان محکم باقی ماند و علی رغم کاهش اندکی که در سالهای اولیه بعد از انقلاب (۱۹۷۴) در آن (تجارت خارجی) رخ داد، لکن چسبندگی شدیدی از خود نشان داد. مشکلات اقتصادی - سیاسی خاصی که بویژه از اوایل دهه ۱۹۷۰ بروز نمود رشد اقتصادی این کشور را شدیداً متأثر و محدود کرد (این مسائل در جای خود مورد

نستی آن مشارکت چندانی در رشد اقتصادی نداشته است.

بهرحال، هرچند اقتصاد کره جنوبی در سراسر دوره مورد بررسی بطور غول آسایی رشد نمود لیکن، رشد شتابان پرتغال به فرجامی ناخوشایند دچار شد. در دوره دوم و سوم، نرخ رشد بشدت افت نمود، در حالیکه رابطه اقتصاد کشور با اقتصاد

۱۹۸۷ برابر ۳۷۶۱ دلار می‌باشد. برای مطالعه و مقایسه اقتصاد پرتغال با کشورهای منتخب دیگر به جدول ۲ مراجعه شود.

تحلیل قرار خواهند گرفت) بنحوی که در سال ۱۹۸۷، جزو کشورهای با درآمد متوسط طبقه بندی گردید (GDP سرانه در سال

جدول (۲): مقایسه اقتصاد پرتغال با کشورهای مختلف

پرتغال	ایرلند	یونان	ترکیه	اسپانیا	ایتالیا	هلند	امریکا	واحد		
۳۶/۷	۲۹/۴	۴۷/۲۰	۶۷/۴	۲۸۹/۲	۷۵۸/۱	۲۱۳/۲	۴۲۷۲/۹	میلیارد دلار	۱۹۸۷	محصول ناخالص داخلی: (GDP)
۳۷۶۱	۸۲۹۷	۲۷۱۹	۱۲۹۶	۷۴۴۹	۱۲۲۵۴	۱۴۵۳۰	۱۸۳۳۸	دلار	"	سرانه
۲/۱	۱/۸	۱/۴	۶	۲/۹	۲/۶	۲/۱	۴/۳	درصد	"	نرخ رشد متوسط طی پنج سال گذشته
۲۵/۳	۱۷/۴	۱۷/۴	۲۴/۵	۲۰/۷	۱۹/۹	۲۰/۳	۱۷/۳	درصد به GDP	"	تسکین سرمایه ثابت
-۰/۷	-۳/۷	-۲/۲	۷/۳	۳/۸	۲/۸	۴/۸	۷	درصد	"	نرخ رشد نسبت به پنج سال گذشته
۱۴/۴	۱۸	۱۳/۵	۹/۱	۱۴/۴	۱۶/۷	۱۶/۱	۱۸/۶	درصد به GDP	"	مصرف کما لائو خدمات توسط دولت
۲۱۶۷	۴۳۷۸	۴۲۷۳	۲۸۴۴	۵۵۲۱	۷۵۴۳	۷۴۶۱	۱۲۲۳۲	دلار	"	مصرف سرانه بخش خصوصی
۲۷/۵	۱۸/۶	۱۴/۷	۲۴/۱	۲۱/۹	۲۰/۹	۲۱/۸	۱۴/۷	درصد	"	نسبت پس انداز با خالص
۹۱۴۴	۱۵۹۴۸	۶۵۱۶	۱۰۳۴۴	۳۳۹۷۲	۱۱۶۰۰۴	۹۳۵۹۲	۲۵۴۱۲۴	میلیون دلار	"	مادران کالاها فوب
۲۵/۳	۵۴/۸	۱۳/۹	۱۵/۷	۱۱/۸	۱۵/۴	۴۳/۱	۵/۷	درصد	"	نسبت صادرات به GDP
۱۳۲۴۸	۱۳۶۲۰	۱۳۱۱۶	۱۴۴۶۰	۴۸۸۱۶	۱۲۴۵۹۶	۹۱۰۶۸	۴۲۴۴۴۰	میلیون دلار	"	واردات کالا سیف
۳۶/۷	۴۶/۸	۲۷/۹	۲۱/۹	۱۷	۱۶/۶	۴۲/۴	۹/۶	درصد	"	نسبت واردات به GDP
۱۰۲۸۰	۳۵۴۲	۹۹۹۸	۵۲۰۱۰	۳۸۸۳۰	۵۷۳۳۱	۱۴۶۷۱	۲۴۳۹۱۵	متر مربع	"	جمعیت

O. E. C. D. , OECD Economic Survey 1988/89 (Paris: OECD, 1989).

مأخذ:

بنظر می‌رسد تصویر اقتصاد کلان پرتغال که در این مقدمه کوتاه ارائه شد تا حدی جایگاه آنرا در اقتصاد جهانی روشن نموده باشد. هدف این مقاله آشنائی با اقتصاد پرتغال و سپس تجزیه و تحلیل تحولات اقتصاد سیاسی این کشور بویژه در دوران اخیر می‌باشد. بنابراین مقدمتاً تحولات سیاسی این کشور در سه دهه اخیر را که تأثیرات عمیقی بر تحولات اقتصادی آن داشته است در بخش اول دنبال می‌کنیم.

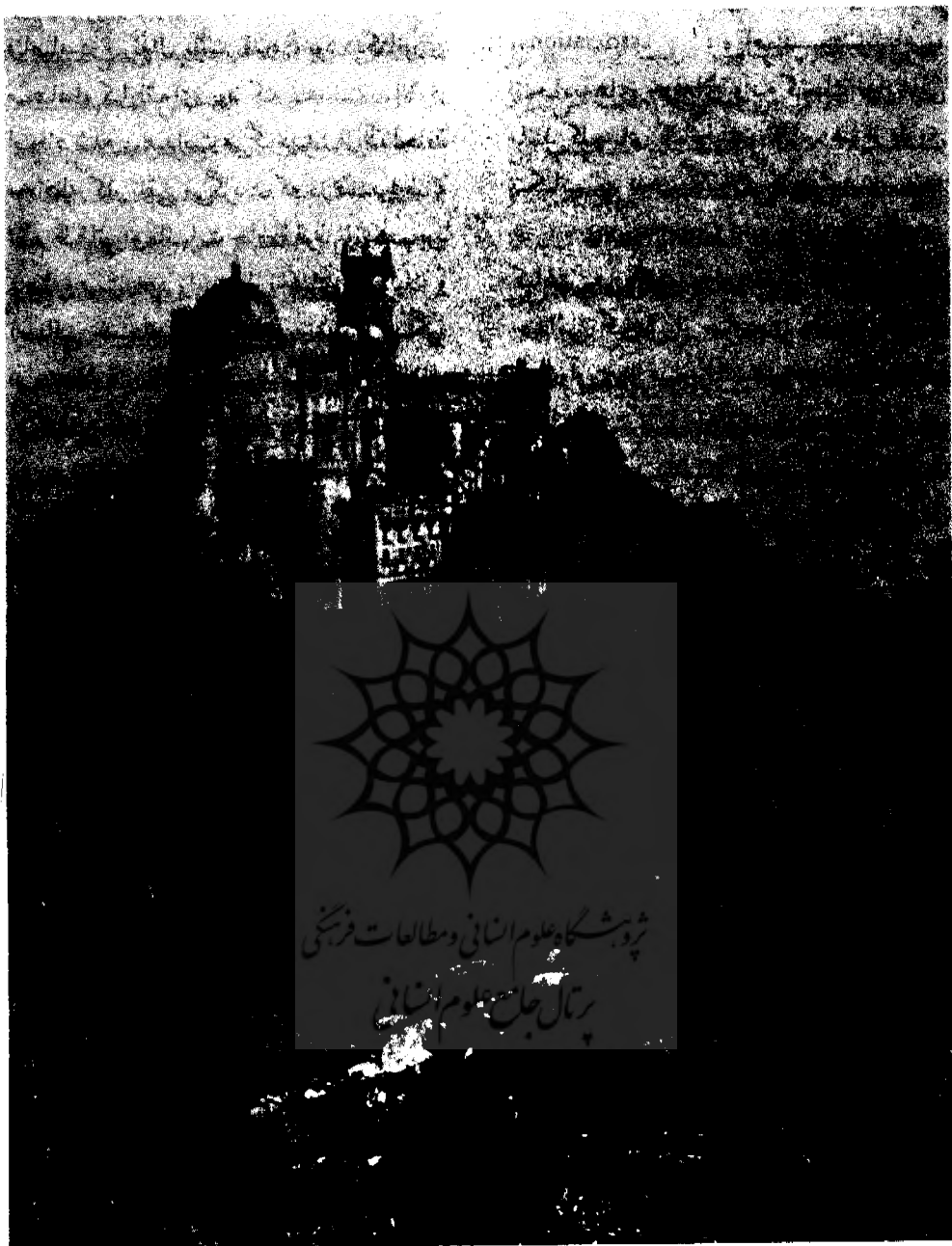
۱۹۳۲، دکتر آنتونیو دو الیویرا سالازار (Antonio de Oliveira Salazar) بقدرت رسید و يك حکومت دیکتاتوری دست راستی - که تحت نفوذ رژیم فاشیستی ایتالیا قرار داشت - تشکیل داد. در سال ۱۹۳۳ قانون اساسی جدید که تشکیل «حکومت اصناف» (Cor Porate State) را برسمیت می‌شناخت تصویب شد. این حکومت سیستم یا مجموعه واحدی بود که بدان وسیله کل جامعه در قالب اصناف

همزمان با رشد اقتصادی و افزایش مبادلات بین‌المللی، پرتغال به کشورهای صنعتی وابسته شد و اقتصاد این کشور تحت تأثیر سیاستهای اقتصادی کشورهای صنعتی قرار گرفته است

تحولات سیاسی: پرتغال نیز همانند همسایه خود اسپانیا، از اوایل قرن بیستم متحول شد. نظام سلطنتی که از قرن یازدهم بر این کشور حکمرانی می‌کرد در سال ۱۹۱۰ با يك کودتای بدون خونریزی و عزل پادشاه خاتمه یافت. پرتغال نیز همانند اسپانیا، بعد از شروع حیات جدید سیاسی خود، تا سال ۱۹۲۶ کشور دستخوش بی‌ثباتی و ناآرامی بود تا سرانجام در این سال کودتای نظامی دیگری رخ داد و رژیمی تأسیس گشت که به «حکومت نو» (Estado Novo) مشهور شد، تا آنکه در سال

صنعتی و حرفه‌ای سازمان می‌یافت. که به‌عنوان عضوی از بدنه سیاسی عمل می‌نمودند و به این ترتیب اشخاص و فعالیت‌هایشان را در محدوده قلمرو خود و با تأکید خاص به تعاون میان کارگر و مدیر، کنترل می‌کردند (همزمان دولت فاشیستی ایتالیا در زمان موسولینی نیز مدعی ایجاد چنین حکومتی بود و احتمالاً نفوذ این افکار در پرتغال نیز از همانجا ناشی شده است). تأثیر شرایط این دوران که تا زمان انقلاب (۲۵ می ۱۹۷۴) بدرازا کشید بر حیات سیاسی بعد از انقلاب این کشور بسیار

(۱) مقاطع تاریخی مختلف از منبع زیر برداشت شده است.



عمیق و تعیین کننده بود. رژیم‌های که در این فاصله در پرتغال بر سر قدرت بود دیکتاتوری محافظه کارانه‌ای بود که بدست سالازار ایجاد شده و هدایت می‌گردید. از آن لحاظ محافظه کار تلقی می‌گردید که در صدد احیاء نظم طبقاتی و باثبات جامعه قرن نوزدهم بود و مشروعیت خود را در نظریه‌های کاتولیک و اصنافی جستجو می‌کرد؛ به تعبیر دیگر، «Stado Novo» برهبری الیویرا سالازار حکومتی بود بر مبنای نظریات و ایده‌آلهای مبهم، لیکن دست راستی. او در صدد بود جامعه دهقانی و مذهبی پرتغال، کاملاً از نفوذ صنعتی شدن، دموکراسی و سایر تأثیرات مدرنیستی برکنار بماند. هرچند وی قطعاً ضد لیبرال بود، از ابتدا با توجه به جلوگیری از رشد اقتصادی که می‌توانست نظم اجتماعی مورد نظری را برهم بزند، ضد سرمایه‌داری نیز

از اتحادیه‌های طبقاتی (Class associations)، اصناف، اتحادیه‌های حرفه‌ای و به کمک نهادهائی مانند کلیسای کاتولیک، تقاضاها از طریق مکانیسم «همکاری و چشمداشت» (Anticipation and Cooperation) کاهش می‌یافت. به این ترتیب با استقلال و جدائی کامل از جامعه، دولت مجبور به نوآوری و سازماندهی جدید نبود و تعارضات نیز راهی به دستگاههای تصمیم‌گیری نداشتند. به این ترتیب ماهیت ایستای دولت سبب گردید قدرت انطباق خود را با وضعیت داخلی که بدلیل جنگهای استعماری در آفریقا (از سال ۱۹۶۱) و همچنین ادغام در اقتصاد جهانی (عمدتاً در سال ۱۹۶۵) مرتباً تحول می‌یافت از دست بدهد.

پرتغال جزء کشورهای است که مبتلا به دوگانگی در اقتصاد هستند.

بود. در دوران حکومت وی اجاره‌ها بشدت کنترل می‌گردید.^۲ اما دلیل دیکتاتوری بودن رژیم وی آن بود که هیچ‌گونه مشارکت جدی مردم در حکومت را نمی‌پذیرفت. تمامی سطوح حکومت، که بشدت از مردم فاصله گرفته بود، بوسیله دولتمردان بالانشین اداره می‌شد و بوسیله پیاده کردن ماهرانه سیستمی متشکل

نکته‌ای که باید در اینجا مورد اشاره قرار گیرد این است که پرتغال نیز همانند اسپانیا در طول جنگ جهانی دوم بیطرف باقی ماند و سالها پس از خاتمه جنگ نیز به سازمان ملل متحد راه نیافت. رژیم سیاسی این کشور نیز که همانند اسپانیا میراث‌دار افکار فاشیستی بود تا مدتها منفور جامعه آزاد بین‌المللی بود تا اینکه در سال

(1): J. B. Macedo, *OP. Cit*, P. 2.

(2): E. I. U., *Country Profile 1990 - 91* (London: EIU Pub., 1990) P. 4.

۱۹۵۵ به سازمان ملل متحد راه یافت. همانند کشور اسپانیا دولت این کشور نیز سیاست انزوای بین المللی را تعقیب می‌کرد تا آنکه در دهه ۱۹۶۰ دیگر تعقیب این سیاست غیر ممکن گشت. بخشی از رهبران و نخبگان این کشور معتقد بودند که باید تا حتمکن از رونق اقتصادی اروپای غربی بعد از جنگ استفاده برد. علی‌رغم آنکه فعالیت‌های تجاری در این کشور بشدت محدود شده بود و مالکیت بنگاههای تجاری موجود نیز منحصراً به گروه بسیار کوچکی از اشراف گشته بود، رشد اقتصادی سریعی که در عین حال بسیار کمتر از توانائی رشد واقعی این کشور تخمین زده شده است، بدست آمد. گروهی عملکرد پایین رشد اقتصادی این کشور را بی‌اعتنائی رژیم نسبت به حقوق اساسی سیاسی (چون حق رای عمومی، تشکیل اتحادیه‌های کارگری، و آزادی بیان) می‌دانستند^۱ اما این رشد سریع که با نرخهای بسیار بالائی بدست آمده بود، به فرجام خوشی منتهی نگردید. علی‌رغم آنکه این کشور مدعی مالکیت منابع نفتی آنگولا بود بشدت از تحریم نفتی (سال ۱۹۷۳) لطمه دید. در فوریه سال ۱۹۷۴ تورم بسیار شدیدی به وقوع پیوست و عرضه پاره‌ای از مواد غذایی دستخوش اختلال گردید. اعتصابات سیاسی وسیعی رخ داد و در این

زمان بود که افسران میان رتبه ارتش پرتغال («که سرخوردگان جنگهای بی‌نتیجه در آفریقا^۲») ویا «کسانی که معتقد شده بودند برای تغییر اوضاع باید کاری بکنند»^۳، ملقب شده‌اند) تحت نام «جنبش نیروهای مسلح»

(Movimento das Forças Armadas)

با این دئولوژی اقتصادی مبهم، در خلا سیاسی موجود رژیم مارسلوکاآتانو (*Marcelo Caetano*) جانشین سالازار را - که از سال ۱۹۶۸ از نظر سیاسی کاملاً بدون پشتوانه مانده بود - در ۲۵ آوریل سال ۱۹۷۴ با یک کودتای بدون خونریزی از پهای درآوردند.

آنچه که پس از ۲۵ آوریل در پرتغال اتفاق افتاد نمونه‌ای از تحولات سیاسی و اقتصادی است که بازگونیهای سیاسی بدنبال دارند. میراث این رژیم غیردموکراتیک و مانع نوآوری، فقدان هرگونه ساختاری بود که بر مبنای آن بتوان یک سیستم دموکراتیک بوجود آورد. جنبش نیروهای مسلح و تمامی گروهها و احزابی که انقلاب را به پیش برده و در روند آن شرکت داشتند ساختارهای سابق را از بین برده و در صدد جایگزینی آنها با سیستمی کاملتر بودند. مسأله رژیم سیاسی جدید چنان گسترده و باز بود و بازیگران صحنه قدرت

(1): E. I. U. OP. Cit, p. 4.

(2): *Ibid.*

(3): J. B. Macedo, *OP. Cit*, P. 3.

وقوع کودتای نظامی از جانب چپ و یا راست — که فعلاً بسیار بعید بنظر می‌رسد — روبروست.

در این حال فضای سیاسی این کشور در عرض شانزده سال پس از انقلاب شاهد حرکت در دو سوی این طیف بوده است. حرکت به سوی سوسیالیسم که با سلطه نظامیان و سیاستمداران چپ گرا از سال ۱۹۷۵ (باملی کردن صنایع عمده

چنان متنافر بودند که پایه گذاری يك رژيم پویای سیاسی را می‌توان در آن لحظه و از نظر تغییراتی که بعداً بوجود می‌آورد يك انقلاب نامید. هرچند در آن لحظه حزب کمونیست پرتغال، با اهداف معین و استراتژی مشخص جهت رسیدن به آن اهداف، یکی از عمده‌ترین نیروهای سیاسی این کشور بود، لیکن وجود احزاب گوناگون — و نه فقط حزب کمونیست — که هر يك

محصول ناخالص داخلی سرانه پرتغال به قیمت جاری و به نرخ ارز جاری ۳۷۶۱ دلار است.

نظیر: بانکداری، بیمه، کشتیرانی، حمل و نقل هوایی و جاده‌ای و کارخانجات تولید سیمان) شروع، و با تصویب قانون اساسی ۱۹۷۶ که حرکت به سوی سوسیالیسم را فرمان می‌داد به اوج خود رسید که متعاقباً در سال ۱۹۸۸ به زدودن عناصر مارکسیستی از قانون اساسی — که آزادسازی کامل این صنایع و همچنین اقتصاد را ممکن می‌ساخت — منجر گردید. قدرت سیاسی که بعد از انقلاب غالباً در دست نظامیان قرار داشت با اصلاحاتی که در سال ۱۹۸۲ در قانون اساسی بعمل آمد و منجر به انحلال شورای انقلاب و کاهش قدرت رئیس جمهور گردید (که تا آن موقع همگی نظامی بودند) بتدریج به غیر نظامیان منتقل شد، دکتر

معتقد بودند سهمی در آینده کشور و شکل گیری آن دارند، و کنش آنان در جریان مبارزه بر سر کسب قدرت به ظهور سیستمی منجر گردیده که مرتباً در حال شکل گیری است و خطر گرایش به چپ و راست افراطی را به حداقل می‌رساند (به عبارت دیگر هیچ کس تحریض نمی‌گردد یا توان آنرا ندارد که قدرت را قبضه کند). بعلاوه با افزایش تأثیر دولتها و سازمانهای خارجی، این گرایشها باز هم محدودتر می‌گردد. بنابراین در فاصله میان چپ و راست افراطی فضای کافی برای تغییرات وجود دارد. لیکن باید متذکر شد که همین سیستم نیز چنانچه همانند حکومت پیش از انقلاب بی‌تحرکی و سستی پیشه کند با خطر

(1): E. I. U. *OP. Cit.*, P. 4.

(2): Europa Publication Limited, *OP. Cit.*, P. 2123.

بهرحال چنین بنظر می‌رسد که استقرار دموکراسی در پرتغال اندکی پرحادثه‌تر و پرفراز و نشیب‌تر از همسایه خود اسپانیا، بوده، لیکن آزادی فعالیت نیروهای سیاسی در عرصه انتخابات همانگونه که گفته شد تعادل سیاسی بالنسبه معقولی را بوجود آورده است که دموکراسی، هم به بهبود آن کمک کرده و هم از آن کمک گرفته

ماریوسوارز (Mario Soares) در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۸۶ با حمایت بیشتر احزاب (که برخی هم چپ‌گرا بودند) به ریاست جمهوری رسید و نخستین فرد غیرنظامی بود که پس از شصت سال به این سمت برگزیده شد. تاریخچه احزاب سیاسی این کشور، بعد از انقلاب تاکنون نیز بسیار متحول و پرنشیب و فراز بوده است.

جنبش نیروهای مسلح در سال ۱۹۷۴ یا یک کودتای بدون خونریزی رژیم ۴۲ ساله دیکتاتوری در این کشور را برانداختند.

است. در انتخابات سال ۱۹۹۱ نیز ماریوسوارز مجدداً به ریاست جمهوری پرتغال برگزیده شده است.

اقتصاد پرتغال و بخشهای عمده اقتصادی. شاید تصویری که در مقدمه از اقتصاد کشور پرتغال ارائه شد تا حدودی گویای موقعیت داخلی و بین‌المللی اقتصاد این کشور باشد. اما عمده‌ترین متغیر اقتصادی که در تجزیه و تحلیل می‌تواند و باید مورد استفاده قرار گیرد تولید اقتصادی (یعنی GDP) است، لیکن قبل از اینکه به بررسی

احزاب مختلف بارها در کشور قدرت گرفته، افول کرده و یا به ائتلاف با دیگر احزاب دست زده‌اند. در انتخابات سال ۱۹۸۷، حزب سوسیال دموکرات (P S D) ۱۴۸ کرسی از ۲۵۰ کرسی مجلس را بدست آورد و حزب سوسیالیست (P S) که در سال ۱۹۸۳، ۱۰۱ کرسی را بدست آورده بود در این انتخابات ۶۰ کرسی را تصاحب کرده و ائتلاف کمونیستها (که حزب کمونیست یعنی همان حزب قدرتمند سابق، نیز در این ائتلاف شرکت داشت) تنها ۳۱ کرسی بدست آوردند!

اکنون در پرتغال سیستمی سیاسی ظهور نموده است که گرایش به چپ و راست افراطی را به حداقل می‌رساند.

(1): E. I. U. *OP. Cit.*, P. 4.

محصول ناخالص داخلی پرتغال پردازیم لازم است شناختی مقدماتی از مسائل اقتصادی - اجتماعی این کشور بدست آورد. برای نیل به این منظور نخستین موضوعاتی را که مورد بحث قرار می‌دهیم جمعیت، مهاجرت و شاخص‌های اجتماعی کشور پرتغال است. این عمل به شناخت جزئی و دقیق‌تر از این کشور کمک نموده و حقایق بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماعی کشورهای با درآمد متوسط را - که همگی آنها در یک یا چند شکل از این نوع، فصل مشترک دارند - بدست می‌دهد. این آگاهیها کمک می‌کنند تا کیفیت و چگونگی فعالیت‌های اقتصادی سه گانه (صنعت کشاورزی و خدمات) که با تحلیل صرف آماری قابل انتقال نیستند بهتر درک گردند. پس از آن نخستین گام ما در این مقطع بررسی فعالیت‌های سه بخش اقتصادی پرتغال خواهد بود.

جمعیت. نخستین مسأله‌ای که در مطالعه جمعیت این کشور جلب نظر می‌کند، نرخ رشد بسیار پائین جمعیت این کشور است. اگر چه نمی‌توان مسأله مهاجرت را - که متعاقباً بررسی خواهد شد - از نظر دور داشت لیکن نرخ رشد متوسط $0/8$ درصدی جمعیت (در طول دوره ۱۹۸۴ - ۸۹) قطعاً متأثر از میزان پائین زاد و ولد در این کشور است [منابع اطلاعاتی در مورد جمعیت این

کشور عبارتند از (EIU) آمارهای مالی بین‌المللی (IFS) و Europa Year book. آمارهای « EIU » که دوره ۱۹۸۴ - ۸۹ را در بر می‌گیرد تماماً با آمارهای « IFS » یکسان است. آمارهای مأخذ سوم که از انستیتوملی آماری پرتغال (Instituto Nacional de Estadística) گرفته شده تفاوت چندانی با دو مأخذ قبلی ندارد. در اینجا آمارهای « IFS » مأخذ قرار می‌گیرد (جدول ۳). مشخص است که جمعیت پرتغال در طی این دوره دستخوش تحولات بسیار شگرفی شده است.

چهار مقطع عمده در روند تحولات جمعیتی پرتغال حائز اهمیت است: ۱ - مقطع ۱۹۶۳ - ۶۸ - ۲ - مقطع ۱۹۶۹ - ۷۴ - ۳ - مقطع ۱۹۷۵ - ۷۹ و ۴ - مقطع ۱۹۸۰ - ۸۸. در مقطع اول مشخصاً از همان سال ۱۹۶۳، کاهش جمعیت پرتغال آغاز می‌گردد. بدون تردید مهاجرت جمعیت که از اوایل این دهه آغاز شده تأثیر قطعی بر بروز این پدیده داشته است. از آغاز سال ۱۹۶۵ تا سال ۱۹۷۳ تقریباً هر ساله نزدیک به صد هزار نفر از پرتغال مهاجرت کرده‌اند،^۱ که این مهاجرت‌ها عمدتاً برای یافتن کار و روستجوی شرایط بهتر زندگی انجام گرفته است. روند مهاجرت تا سال ۱۹۶۸ همچنان ادامه یافته و جمعیت، مداوماً با رشد منفی روبرو بوده است اما در سال ۱۹۶۹ (مطابق آمارهای IFS) بناگهان جمعیت با

(1): E. I. U. , *OP. Cit*, P. 10.



میلیون نفر / درصد

جدول (۳): جمعیت و نرخ رشد آن طی دوره ۱۹۵۰ - ۸۰

سال	۱۹۵۰	۱۹۶۰	۱۹۶۱	۱۹۶۲	۱۹۶۳	۱۹۶۴	۱۹۶۵	۱۹۶۶	۱۹۶۷	۱۹۶۸
جمعیت	۸/۴۱	۸/۸۳	۸/۸۳	۸/۸۴	۸/۸۳	۸/۸۱	۸/۷۸	۸/۷۵	۸/۷۲	۸/۶۹
	-	-	۰	۰/۱۱	-۰/۱۱	-۰/۲۲	-۰/۳۴	-۰/۳۳	-۰/۳۴	-۰/۳۴
سال	۱۹۶۹	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۲	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸
جمعیت	۹/۱۰	۹/۰۴	۸/۹۹	۸/۹۷	۸/۹۸	۸/۹۹	۹/۲۳	۹/۶۷	۹/۷۴	۹/۸
	۴/۷۱	-۰/۶۶	-۰/۵۵	-۰/۲۲	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۹	۲/۵۴	۰/۷۲	۰/۶۱
سال	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸
جمعیت	۹/۶۶	۹/۷۷	۹/۸۶	۹/۹۳	۱۰/۰۱	۱۰/۰۹	۱۰/۱۶	۱۰/۲۱	۱۰/۲۵	۱۰/۴۱
	-۱/۴	۱/۱۳	۰/۹۲	۰/۷۰	۰/۸	۰/۸	۰/۷	۰/۵	۰/۴	۱/۶

IMF , International Financial Statistics, *OP. Cit* , PP 594, 595.

مأخذ:

در هر هزار نفر

جدول (۴): نرخ زاد و ولد، مرگ و میر

سال	زاد و ولد (تعداد)	مرگ و میر (تعداد)	نرخ
۱۹۷۹	۱۶۰ ۳۱۱	۹۲۷۳۲	۱۶/۳
۱۹۸۰	۱۵۸۳۵۲	۹۴۹۷۱	۱۶/۲
۱۹۸۱	۱۵۲۱۰۱	۹۵۸۹۲	۱۵/۴
۱۹۸۲	۱۵۱۰۲۹	۹۲۵۵۱	۱۵/۲
۱۹۸۳	۱۴۴۳۲۷	۹۶۳۶۷	۱۴/۴
۱۹۸۴	۱۴۲۸۰۵	۹۷۲۲۷	۱۴/۲
۱۹۸۵	۱۳۰۴۹۲	۹۷۳۳۹	۱۲/۸
۱۹۸۶	۱۲۶۷۴۸	۹۵۸۲۸	۱۲/۴
۱۹۸۷	۱۱۷۵۳۱	-	۱۱/۴

Europa Publication Limited, *OP. Cit* , P, 2126.

مأخذ:

افزایش شدید ۷۱/۴ درصد مواجه گردیده است.

البته لازم بتذکر است که آمارهای « IFS » با آمارهای « Europa Year book » در برخی مواقع متضاد است. مطابق منبع اخیر جمعیت پرتغال در سرشماری سال ۱۹۷۰، ۸/۶۵ میلیون نفر بوده که مجدداً در سال ۱۹۷۰ نرخ رشد منفی

جمعیت تشدید می‌گردد. علی‌رغم اینکه افراد اضافه شده به جمعیت در سال ۱۹۷۹ (مطابق جدول ۴) مثبت است اما جمعیت بشدت کاهش می‌یابد. پس از آن جمعیت با نرخ پائینی افزایش می‌یابد که در سال ۱۹۸۸ مجدداً با یک جهش، جمعیت ۱/۶ درصد افزایش می‌یابد، به‌رحال بنظر می‌رسد با وجود مهاجرت‌های زیاد و بازگشت پر شمار

نرخ رشد جمعیت در کشور پرتغال بسیار پائین و حتی در پاره‌ای موارد منفی بوده است.

جمعیت، نرخ رشد جمعیت در این کشور بسیار پائین باشد. آنگونه که از جدول (۴) برمی‌آید نرخ زاد و ولد پائین و مداوماً کاهنده است ضمن اینکه نرخ مرگ و میر ثابت مانده است.

۹۵/۴ برای جمعیت پرتغال محاسبه گردیده است. بنابراین اطمینان ما در پذیرش دومین مقطع اندکی متزلزل می‌گردد. به‌رحال این رشد شدید در سال ۱۹۷۵ - ۱۹۷۶ نیز تکرار می‌گردد که ناشی از بازگشت گروه‌های مهاجران پرتغالی از مستعمرات تازه استقلال یافته در افریقا می‌باشد.

اقتصاد پرتغال که نیروی کار را به عنوان یکی از منابع فراوان خود تلقی می‌کند بر صدور آن به کشورهای مختلف جهان پیش از سایر کشورهای تازه صنعتی شده تکیه کرده است.

وضعیت اجتماعی. بسیاری از مصالح رفاه اجتماعی بر روی کاغذ وجود دارد ولی در عمل چیزی وجود ندارد. تحصیلات تا سن چهارده سالگی اجباری است اما حدود ۴۰ درصد از محصلین

شمار این بازگشتگان را ۵۰۰ هزار نفر تخمین زده‌اند^۱ و در همین زمان (۱۹۷۵ - ۷۶) رکود در اقتصاد جهان نیز تقاضا برای کارگران پرتغالی را کاهش می‌دهد. اما در سال ۱۹۷۹ به بعد روند مهاجرت و کاهش

(1): *Ibid.*

پرتغالی از اتمام تحصیلات خود محروم می‌مانند (معدل جامعه اروپا ده درصد می‌باشد). از هر ده تن دانش‌آموز تنها یک تن قادر است به دوره تحصیلاتی بالاتر از دبیرستان راه یابد. این نسبت برای کل جامعه اروپا یک درسه است. در پرتغال هم مدارس خصوصی و هم مدارس دولتی وجود دارند. شمار دانشگاهها از سال ۱۹۷۴ به بعد بسرعت افزایش یافته است اما بهرحال، تسهیلات آموزشی چندان پیشرفته نیست.

و مناطق زراعی، بیشترین بخش از حمایت‌های اجتماعی را بخود اختصاص می‌دهند. در سال ۱۹۸۸، میانگین حقوق بازنشستگی در پرتغال با داشتن ۳۵ سال سابقه کار ۱۳۰۰۰ اسکودو (Escudo) یعنی برابر با ۹۰ دلار بوده است.

شاخص‌های دیگر نیز حکایت از فقر و عقب‌افتادگی وسیع مردم در پرتغال دارند. در سال ۱۹۸۱ از ۳,۴۳۵,۶۳۳ خانوار در پرتغال، ۷۳ درصد صاحب برق، ۴۷

میانگین حقوق بازنشستگی در پرتغال با داشتن ۳۵ سال سابقه کار برابر با ۱۳۰۰۰ اسکودو (۹۰ دلار) می‌باشد.

درصد صاحب حمام و ۶۴ درصد در خانه‌های خود دستشویی داشته‌اند. مناطق داخلی و مناطق روستائی کشور، از مردم ساکن حاشیه دریا یا در شهرهای بزرگ فقیرترند. افزون بر این کشور پرتغال دارای آلودگی‌های متعدد (بخصوص در نواحی صنعتی) می‌باشد.

بخشهای عمده اقتصادی:
دیدگاه کلی. در طول قرن حاضر تا سال ۱۹۶۰ چهره اقتصاد پرتغال همچنان دست‌نخورده باقی مانده بود و تنها در اوائل این دهه بود که تغییرات شروع شد، هر چند رشد اقتصادی در این دهه بسیار سریع بود اما همانگونه که قبلاً بیان شد این میزان رشد نیز از تواناییهای این کشور کمتر بوده است.^۱

در پرتغال دو نوع طرح بیمه بهداشت برای کارگران پرتغالی وجود دارد: یکی، برای کارگران دولتی که اجباری است و دیگری اختیاری برای کارگران بخش خصوصی. وضعیت خدمات بهداشتی در پرتغال - که تاریخی طولانی از عقب‌ماندگی را پشت سر و صف طولیلی از بیماران، در مقابل بیمارستانها را پیش رو دارد - نامناسب است در سال ۱۹۸۵ نرخ مرگ و میر نوزادان در پرتغال ۱۸ نفر در هر پنج هزار نفر گزارش شده که از تمامی اروپای غربی بیشتر بوده است. سایر خدمات اجتماعی دولتی نیز، حتی در مقایسه با جنوب اروپا بسیار اندک است. خانواده‌های فقیر و پرجمعیت حوالی شهرها

(1): EIU. *OP. Cit* , P. 12.

بی‌نظمی اقتصادی ناشی از انقلاب
۱۹۷۴ و بی‌اعتمادی سیاسی متعاقب آن
به این معنا بود که عملکرد صنایع در دهه
پس از آن بسیار کم و اطمینان تجاری پائین
خواهد بود. از آنجا که مالکیت بسیاری از
صنایع در دستهای معدودی (منجمله بانکها)
نهاده شده بود، با ملی کردن صنایع در سال
۱۹۷۵، ۵۳ درصد از سرمایه‌گذاری ثابت
صنایع در اختیار دولت قرار گرفت. بدنبال
آن دوره‌ای پیش آمد که اغلب
سرمایه‌گذارها به سوی صنایعی جاری گشت
که از اساس؛ قدرت رقابت‌پذیری نداشتند.
در این بین، کشاورزی — بزرگترین نقطه
ضعف اقتصاد پرتغال همانند صد سال
گذشته — باقی مانده بود. سیستم بسیار
سنگین و کمرشکن سوبسیدهای دولتی نیز
سبب خرابتر شدن شیوه‌های کشت
غیرکارای سنتی گشته بود، لذا از اهمیت
کشاورزی و صنعت کاسته شد. در عین
حال رشد خوبی در بخش خدمات (نظیر
بانکداری و توریسم) بدست آمد.

در بخش صنعت برخی پیشرفتهای
عمده حاصل شد ضمن آنکه بنگاههای
دولتی ناموفق عمل کردند. بسیاری از
بنگاههای تولید کفش و منسوجات
— بخصوص آنها که در شمال کشور مستقر
شده بودند — بمدد انعقاد موافقتنامه تجارت
ترجیحی با جامعه اروپا در سال ۱۹۷۲ و
همچنین ورود به جامعه اروپا در سال
۱۹۸۶، گسترش یافتند. سرمایه‌گذارهای
چند ملیتی در صنایع الکترونیک و تولید

قطعات وسایل نقلیه باعث رونق این بخش‌ها
شد و تولید صنایع چوب و کاغذ با به‌ثمر
رسیدن جنگلهای اکالیپتوس افزایش فراوان
یافت. اما در عین حال شماری از صنایع متعلق
به بخش خصوصی (نظیر منسوجات و صنایع
فرآوری مواد غذایی) از افزایش رقابت لطمه
دیدند. بهر حال چهار سال گذشته شاهد
افزایش سودآوری و رونق وضعیت تجاری و
اعتماد تجار بوده است.

سرمایه‌گذاری در صنایع، بدلیل
عضویت پرتغال در جامعه اروپا (در سال
۱۹۸۶) و افزایش سریع در سرمایه‌گذارهای
مستقیم خارجی، در طول پنج سال گذشته
افزایش یافته است. در طول این دوره که
مداخلات دولتی کاهش و زیرساخت‌های
فیزیکی نوسازی گشتند، اقتصاد غیر کارآ و
راکد پرتغال دوران انتقال خود را آغاز کرده
است. دولت سوسیال‌دموکرات، اصلاحات
گسترده‌ای را آغاز کرده و برنامه جامع
مدرنیزه کردن کشور را شروع نموده است،
لیکن این پیشرفتهای که تحت رهبری دولت
انجام می‌گیرد کند بوده است. اما در عین
حال بسیاری از بنگاههای بخش خصوصی
فرصت را برای توسعه و نوسازی خود غنیمت
دانسته‌اند ولی تعداد نسبتاً زیادی از
بنگاههای کوچک در این زمینه کمتر موفق
بوده‌اند. در سال ۱۹۸۹ تنها ۸۷ شرکت،
فروشی بیش از ۶۰ میلیون دلار داشته‌اند (۲۸
شرکت از آنها شرکتهای چند ملیتی، ۲۴
شرکت دولتی، ۱۸ شرکت عضو بورس
اوراق بهادار و ۱۷ شرکت تحت مالکیت

خصوصی بوده اند).

به بزرگ مزرعه داری، عقب افتادگی تکنولوژیک و سرانجام عدم وجود خدمات گسترده و سازماندهی برای بازاریابی محصولات تولیدی از مشکلات دیگر بخش کشاورزی می باشند^۱

از دلایل دیگر این امر سرمایه گذاری پائین در بخش کشاورزی است. «در سال ۱۹۸۵، میزان سرمایه گذاری کمتر از ۳ درصد محصول ناخالص کشاورزی بوده^۲» و تا قبل از ورود به جامعه اروپا، تنها یک درصد از سرمایه گذاری ناخالص به بخش کشاورزی اختصاص یافته

کشاورزی: بخش کشاورزی پرتغال

یکی از بزرگترین مشکلات اقتصادی این کشور را بوجود آورده است. بازده در واحد سطح (هکتار) در این کشور $\frac{۱}{۳}$ میانگین اروپاست. این وضعیت در طول ده سال گذشته مرتباً بدتر شده بطوری که بازده بسیاری از مزارع کاهش یافته و اندازه برخی از اراضی قابل کشت و همچنین اراضی تحت کشت دائم کاهش یافته است. دلایل این امر متعدد است: کیفیت ضعیف خاک

در پرتغال میزان محصولات تولیدی پائین تر از سطح حداقل معیشت است و نوسازی مزارع نیز از لحاظ اقتصادی توجیه پذیر نیست.

است^۳. حال آنکه در اسپانیا و یونان میزان سرمایه گذاری ۲۰ درصد از محصول ناخالص کشاورزی بوده است. تعداد تراکتورها و میزان کودهای مصرف شده در هر هکتار در این کشور $\frac{۱}{۳}$ کشورهای جامعه اروپاست. بعلاوه به اثبات رسیده است که واحدهای بهره برداری جمعی (Collective Production Units) که در شمال این کشور — بعد از انقلاب ۱۹۷۴ — سازمان یافته اند قادر به نوسازی سیستم تولید نبوده و کارایی آنها کاهش یافته است. مشکل دیگر عدم

که کاربرد غیر کارای زمین و نهاده ها آنرا بدتر می کند، نوسانات بسیار شدید در میزان بارندگی و اندازه کوچک مزارع در شمال و مرکز کشور (وسعت ۸۵ درصد از ۹۵۰ هزار مزرعه ۵ هکتار یا کمتر است). میزان بسیاری از محصولات تولیدی پائین تر از سطح حداقل معیشت است و نوسازی مزارع از لحاظ اقتصادی توجیه پذیر نیست (بدلیل اندازه کوچک). توزیع مجدد زمین میان زارعین بعد از انقلاب ۱۹۷۴ و بازگرداندن دوباره آنها به صاحبان اصلیشان (بازگشت

(1): EIU, Country Profile, *OP. Cit.*, P. 18.

(2): OECD, *Economic Survey 1988/89*, (Paris: OECD. 1989) P. 57.

(3): EIU, *OP. Cit.*, P. 18.



نگاه علمی به اوضاع اقتصادی پرتغال
پرتغال و علوم انسانی و مطالعات
پرتغال و علوم انسانی

اطمینان به ثبات مالکیت و همچنین عدم اطمینان به برخورداری از عین و نمائات (Usufruct) می‌باشد که اسباب دلسردی در امر سرمایه گذاری گردیده است. مشکل دیگر پائین بودن فرهنگ و سواد کشاورزان این کشور است بطوری که تنها ۴۰ درصد از زارعین چهارسال و یا بیشتر تحصیل کرده اند؛ حال آنکه برای استفاده از تکنولوژی جدید کشاورزی و کاربرد نهاده‌های مدرن حداقل مهارتی لازم است.

قبل از آنکه پرتغال به جامعه اقتصادی اروپا (EEC) ملحق گردد کسری مواد غذایی (عمدتاً شامل غلات و دانه‌های روغنی) به حدود ۳ درصد «GDP» می‌رسید، حال آنکه در سال ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ این رقم به ۲/۵ درصد رسیده است. در یونان که موقعیت جغرافیائی و سطح توسعه اقتصادی آن شبیه پرتغال

است این کسری به حدود ۱ درصد «GDP» بالغ می‌گردد ضمن اینکه اسپانیا در این زمینه به تعادل دست یافته است. مازاد تولید در صنایع چوب، چوب‌پنبه و خمیر کاغذ جوابگوی کسری مواد غذایی در پرتغال نیست. و بطور کل، ارزیابی این است که عملکرد بخش کشاورزی پرتغال با توجه به منابع طبیعی و شرایط آب و هوائی، نسبتاً نامناسب است. سطح بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی (محصول ناخالص مزرعه نسبت به تعداد کارگران) بسیار کمتر از سایر کشورهای اروپائی در سال ۱۹۸۵ بوده است (حدود نصف بهره‌وری در اسپانیا و یونان و $\frac{1}{4}$ در سایر کشورهای جامعه اروپا). حدود ۲۰ درصد از نیروی شاغل کشور در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند و تنها ۸ درصد از «GDP» را تولید می‌نمایند (جدول ۵)

جدول (۵): سهم بخش کشاورزی در GDP و اشتغال در پرتغال، اسپانیا و یونان

(درصد)

سهم در اشتغال	سهم در GDP		پرتغال
	۱۹۸۰	۱۹۸۷	
۱۹۸۷	۱۹۸۰	۱۹۸۷	۱۹۸۰
۲۱	۲۷	۸/۳	۱۰/۳
۱۵/۱	۱۹/۲	۵/۴	۷/۱
۲۷	۳۰/۳	۱۴/۹	۱۵/۸
۶/۲	۷/۸	۳/۶	۴/۵

جامعه اروپا بطور گسترده برای پیشرفت بخش کشاورزی پرتغال تلاش می‌کند. هدف این است که قیمت‌ها تا پایان مرحله انتقال (۱۹۹۰ یا ۱۹۹۵) هماهنگ‌تر شود و ساختار تولید نیز در یک بازار گسترده، رقابتی‌تر شود. میزان کمکی که برای تغییر ساختار از جانب « EEC » در نظر گرفته شده است به ۴۷ میلیارد

آموزش خواهد شد سهمی نیز متعلق به زارعین پرتغالی خواهد بود. میزان این کمک قابل ملاحظه در سال ۱۹۸۸ برابر ۹۳ میلیارد اسکودو بوده است که به ۱/۵ درصد « GDP » بالغ می‌گردد.

کمکهای ساختاری که به بخش کشاورزی اختصاص یافته تماماً مصرف سرمایه‌گذاری خواهد شد. نیمی از این وجوه

جامعه اقتصادی اروپا بطور گسترده‌ای برای پیشرفت بخش کشاورزی پرتغال تلاش می‌کند و تا کنون کمکهای زیادی را در اختیار این بخش گذاشته است.

در برنامه توسعه‌ای که در سال ۱۹۸۶ طرح ریزی شده و هدف آن گسترش جنگلها، احداث جاده، و برق‌رسانی به روستاها و پروژه‌های آبیاری می‌باشد صرف خواهد شد. برنامه دیگری که صرفاً برای پرتغال در نظر گرفته شده و مشترکاً بوسیله « EEC » تأمین

اسکودو بالغ می‌گردد که در سال ۱۹۸۶/۸۷ تصویب شده و در سال ۱۹۸۸ يك کمک ۶۰ میلیارد اسکودوئی دیگر که به يك درصد « GDP » بالغ می‌گردد نیز مورد تصویب قرار گرفته است که در ظرف پنج سال جذب خواهد شد. مبلغ ۲۷ میلیارد اسکودو دیگر

جامعه اقتصادی اروپا از کمکهای در نظر گرفته شده جهت بهبود زیرساختها و آموزش، سهمی برای بخش کشاورزی پرتغال در نظر گرفت که برابر ۹۳ میلیارد اسکودو بود.

مالی خواهد شد بهبود ساختاری در تولید انگور و گسترش تاکستانهاست.

جدای از کمکهای اعطائی جهت سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساختها تمهیداتی نیز برای بهبود کلی عملکرد این بخش

نیز در سال ۱۹۸۸ به منظور اجرای طرح درآمد تضمین شده برای تولیدکنندگان در نظر گرفته شده است. بعلاوه از وجوه اختصاص یافته از طرف جامعه اروپا جهت امور منطقه‌ای و اجتماعی که صرف بهبود زیرساختها و

اندیشیده شده است. تلاشهای زیادی برای پیش برد آموزش و فرهنگ در میان زارعان و جوانان روستائی بعمل آمده است. قانون اصلاح شده آبیاری نیز در سال ۱۹۸۸ به تصویب رسیده که ایجاد تغییراتی را در ساختار مزرعه داری در جنوب، امکان پذیر می سازد به این ترتیب اندازه مزارع جهت واگذاری مجدد به بخش خصوصی افزایش یافته و زمین نیز آزادانه در میان وراثت تقسیم خواهد گردید.^۱

اکنون وضعیت تولید و سرمایه گذاری در بخش کشاورزی را مدنظر قرار می دهیم جدول (۶) که با استفاده از چندین منبع تکمیل گردیده است شمه ای از وضعیت این بخش را نشان می دهد. باید خاطر نشان ساخت که یک متغیر اساسی جدول یعنی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (سرمایه گذاری ناخالص) در بخش کشاورزی کامل نیست تا بتوان تحولات آن را در دهه ۱۹۸۰ تعقیب نمود. بهر حال با

استفاده از همین اطلاعات مشخص است که سرمایه گذاری در بخش کشاورزی تا اوائل دهه ۱۹۸۰ بسیار ناچیز بوده بنحوی که هیچ گاه از ۱/۳ درصد «GDP» و ۴/۹ درصد سرمایه گذاری ناخالص کل بیشتر نشده است. میزان محصول بخش کشاورزی نیز در سال ۱۹۸۱ تغییر فاحشی یافته و به قیمت ثابت ۱۰/۶ درصد کاهش یافته است. طی دوره ۱۹۷۷ - ۸۷ نوسانات بخش کشاورزی بسیار شدید بوده ضمن اینکه توانائی افزایش محصول را تا حد زیادی بنمایش گذاشته است. از آنجا که آمارها برای نتیجه گیری لازم، تکمیل نیست امکان ارائه تحلیل نیز وجود ندارد لیکن مشخص است که با اجرای برنامه های یاد شده در بالا و سرمایه گذاریهای سنگین، محصول در این بخش افزایش زیادی خواهد داشت زیرا غالباً عملکرد بخش کشاورزی این کشور را کمتر از توان واقعی آن می دانند.

تا اوائل دهه ۱۹۸۰ میزان سرمایه گذاری در بخش کشاورزی پرتغال از ۱/۳ درصد محصول ناخالص داخلی تجاوز نمی کرد.

(1): OECD, *OP. Cit.*, P. 59.

جدول (۶): سهم بخش کشاورزی در GDP و در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (میلیارد اسکودو)

سال	(۱) محصول ناخالص داخلی	(۲) درصد تغییرات بخش کشاورزی (به قیمت ثابت)	(۳) تشکیل سرمایه ناخالص ناخالص در بخش کشاورزی	(۴) سهم سرمایه جاری در GDP	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ناخالص داخلی	سهم کشاورزی از کل سرمایه گذاری	سهم سرمایه گذاری در بخش کشاورزی به کل GDP	نسبت تشکیل سرمایه ناخالص به GDP
۱۹۷۷	۶۲۶/۶	-	۸/۱۷۸	۶۲۵/۸	۱۶۵/۸	۴/۶	۱/۳	۲۶/۵
۱۹۷۸	۹۴	۶	۹/۱۸۶	۷۸۷/۳	۲۱۹/۸	۴/۱	۱/۱	۲۷/۹
۱۹۷۹	۱۱۵	۲۰/۶	۱۲/۸۷۵	۹۹۳/۳	۲۶۴	۴/۸	۱/۳	۲۶/۵
۱۹۸۰	۱۲۹/۹	۲/۳	۱۷/۰۴۹	۱۲۵۶/۱	۳۵۸/۸	۴/۷	۱/۳	۲۸/۵
۱۹۸۱	۱۳۴/۶	-۱۰/۶	۱۹/۷۰۴	۱۵۰۱/۱	۴۵۸/۷	۴/۳	۱/۳	۳۰/۵
۱۹۸۲	۱۶۲/۹	۶	۰۰۰	۱۸۵۰/۴	۵۸۲			
۱۹۸۳	۱۸۳/۳	-۱/۴	۰۰۰	۲۳۰۱/۷	۶۷۲/۵			
۱۹۸۴	۲۳۴/۴	۹/۱	۰۰۰	۲۸۱۵/۷	۶۶۹/۹			
۱۹۸۵	۲۸۱/۲	۸/۱	۰۰۰	۳۵۲۳/۹	۷۶۶/۷			
۱۹۸۶	۳۵۴/۵	۶/۵	۰۰۰	۴۴۲۰/۴	۹۸۶/۵			
۱۹۸۷	۴۲۷/۷	۷/۴	۰۰۰	۵۲۰۰/۱	-			

مأخذ:

(1): OECD, *Op. Cit.*, P. 105.

(2): *Ibid.*

(3): U. N. *National Account Statistics 1985* (New York: UN Pub. 1987).

(4): IMF, *Op. Cit.*

فهرست منابع.

(1). EIU, *Country Profile 1990 - 91*, London E. I. U, 1990.

(2). Europa Publication limited, *Europa World Yearbook 1989*.

(3). IMF *international Financial statistics 1989*, Washington: IMF, 1989.

(4). Macedo J. B. F Serfaty S., *Portugal Since Revolution*, Colorado: Westview Press, 1981.

(5). O. E. C. D., *OECD Economic Survey 1988/1989*, Paris: OECD, 1989.

(6). U. N., *National Account Statistics 1985*, New York: U.N. Pub, 1987